

«زن و مطالعات خانواده»

سال اول - شماره دوم - زمستان ۱۳۸۷

ص ص ۱۵۶ - ۱۳۹

## نقش دانشگاه آزاد اسلامی در میزان مشارکت زنان از دیدگاه بانوان شهرستان میانه

فریبا محمودی  
میکائیل رسولزاده

### چکیده

این تحقیق با هدف روشن ساختن نقش دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه مشارکت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی زنان و مشخص کردن نقش این دانشگاه در تفاوت نگرش به مشارکت زنان به عنوان ابزار یا هدف از دیدگاه بانوان شهرستان میانه است که به صورت پیمایشی انجام گرفته است. برای این منظور پرسشنامه‌هایی طراحی و نظرات بانوان دانشجوی مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های شهرستان میانه و فارغ التحصیلان دوره دبیرستان اخذ و مجموع نظرات آنها مورد ارزیابی قرار گرفت. نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که شاخص‌های گرایش به مشارکت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در حد متوسط به‌بالاست. آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد که همبستگی مثبت و معنی‌داری بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی در تفاوت نگرش به مشارکت زنان، توسعه مشارکت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی وجود دارد. همچنین هیچ نوع همبستگی بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت اجتماعی زنان وجود ندارد. پیشنهادهایی در پایان ارائه شده‌است که حاصل آن این است: اگر از بعضی تنگ‌نظری‌های موجود نسبت به زنان در جامعه‌مان بگذریم؛ شرایط تا حدودی برای مشارکت زنان در صحنه‌های مختلف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم است که با توجه جدی‌تر دولت در این زمینه و آگاهی و حرکت خود زنان، این نیروی بالقوه به کار گرفته خواهد شد تا گامی در جهت توسعه برداشته شود.

**واژه‌های کلیدی:** توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی، زنان، مشارکت فرهنگی، مشارکت

سیاسی، مشارکت اجتماعی، مشارکت اقتصادی، بانوان

---

<sup>۱</sup> - اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه (fmahmoudi87@yahoo.com)

## مقدمه

زنان به لحاظ وجود انسانی و وظیفه تربیتی و پرورشی‌شان، جایگاه ممتازی در جامعه بشری دارند. زن مربی انسان است اما نه مربی و معلّمی که فقط القای سخن کند و مطلب را برای متعلّمش بیان سازد؛ بلکه زن به عنوان یک مادر تمام خصایص و مراتب وجودی‌اش را به کودک منتقل می‌کند (به نقل از سنگ تراش، ۱۳۸۴، ۵۴). نیازی به بازگو کردن تبعیض‌ها و خشونت‌های متعدد نسبت به زنان نیست؛ مهم این است که نگرش‌های پدرسالارانه و ارزش‌های اجتماعی که زنان را در موقعیتی نابرابر قرار می‌دهد، به طور ریشه‌ای و عمیق در نظام تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش جامعه ما رخنه کرده است. در کتاب‌های درسی، زنان عمدتاً در نقش مادر و ندرتاً در نقش معلّم ظاهر می‌شوند؛ دختر بچه‌ها در کتاب‌های درسی در محدوده منزل، حیاط خانه و مدرسه تصویر می‌شوند؛ در حالی که پسران فعالانه در خارج از خانه، مشغول کار، فعالیت، ورزش و بازی هستند. در کتاب‌های درسی سال‌های بالاتر همین تصاویر محدود هم محو می‌شود. نظام آموزش و پرورش با وجود پذیرش ضعف خود در این زمینه، اقدامی در جهت بهبود کیفیت نقش زن صورت نداده است. در رسانه‌ها نیز وضع به همین قرار است. زنان محبوب سریال‌ها، زنانی هستند که مطیع و منقاد همسرانند و مادران مهربانی به نظر می‌رسند که به خاطر راحتی خانواده-هایشان حتی به آسانی می‌میرند. در برخی موارد که زنان به ایفای نقش‌های جدی‌تر و مهم‌تر می‌پردازند، هویت زنانه و ارزش‌ها و ظرافت‌های شخصیتی خود را از دست می‌دهند و به شکلی مسخ شده، نقاب مردانه به چهره می‌زنند. با این حال ثابت شده‌است که امروزه مشارکت روز افزون زنان در بیرون از خانه باعث تقویت حس اعتماد به نفس و استقلال و افزایش قدرت تصمیم‌گیری و برخورد مناسب با رویدادها و حوادث زندگی شده و اثر مطلوب بر روابط خانوادگی برجای گذاشته‌است. در واقع زن با کار و فعالیت اجتماعی قدرت خلاقیت، کارآیی و استقلال بیشتری می‌یابد چرا که زن در ازای دریافت وجه حاصل از فعالیت اجتماعی و همچنین تبادل اطلاعات، علم، آگاهی و تعامل اجتماعی، استقلال

عمل بیشتری می‌یابد و بهتر می‌تواند در برابر مشکلات خانه و محیط کار تصمیم‌گیری و مداخله نماید (تک بانو، ۲۰۰۹، ۳). به طور کلی باید گفت هر چه زنان بیشتر وارد عرصه اجتماعی شوند به همان نسبت از بحران هویت فردی و اجتماعی، افسردگی و انزوایابی، بی‌زاری از نظام کنترل اجتماعی، بی‌اعتمادی و بدبینی به قوانین و قواعد حاکم بر جامعه در این قشر عظیم کاسته خواهد شد.

یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش درجه توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن دارند. هر چه حضور زنان در اجتماع، فعالیت و مؤثرتر باشد، کشور پیشرفته‌تر و توسعه‌یافته‌تر خواهد بود. با این حال، میزان نقش و مشارکت زنان در جامعه به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تا حد زیادی به برخورد و نگرش آن جامعه نسبت به زنان بستگی دارد. در صورتی که به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، حضور و مشارکت حقیقی زنان در عرصه‌های مختلف فعالیت‌ها افزایش می‌یابد. این امر در تحقق جامعه مدنی مؤثر است. با رشد و بالندگی جامعه بانوان کشور، تسریع فرآیند توسعه و محقق شدن عدالت اجتماعی ممکن می‌شود که تأثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه گذاشته، بستر مناسب فعالیت آنان را در تمام صحنه‌ها فراهم می‌کند.

در آماري که از سوی مرکز آمار ایران اعلام شده است میزان نرخ مشارکت زنان و مردان در جامعه ایران به ترتیب ۱۰/۵ و ۷۰ درصد می‌باشد. این در حالی است که نرخ مشارکت زنان در کشورهای توسعه یافته حدود ۷۰ درصد است.

هم اکنون حدود ۴۶ درصد از زنان شاغل در کشور در بخش خدمات مشغول به کار هستند. ۶۶ درصد از زنان شاغل کشور در بخش خصوصی؛ ۳۳ درصد در بخش دولتی و یک درصد نیز در بخش تعاونی شاغل هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷).

تفاوت جنسیتی در بازار کار و امور اجتماعی ناشی از عوامل فرهنگی، ساختاری و نهادی است. شیوه‌ی تفکر و فرهنگ جامعه نسبت به خانواده‌ی

ایده‌آل که مرد را نان‌آور خانه می‌داند و جایگاه زن را به عنوان مادر و همسر در منزل می‌شناسد، یکی از عوامل اصلی ایجاد کننده‌ی این تفاوت است. زیرا براساس این باور، نحوه‌ی تربیت دختران و پسران کاملاً متفاوت است و به همین جهت بسیاری از زنان برای حضور در بازار کار فاقد اتکا به نفس کافی هستند. تمایلات خانواده، شرایطی را به زنان شاغل تحمیل می‌کند که سبب محدودیت آنان در بازار کار می‌شود. در سطح اجتماعی نیز این باور وجود دارد که انگیزه‌ی زنان برای کارکردن، کسب پول نیست؛ به همین علت آن‌ها دستمزدهای پایین‌تری را می‌پذیرند. محدودیت در ساعات کار خارج از منزل و لزوم مراقبت از فرزندان و دیگر محدودیت‌های خانوادگی، در مجموع سبب شده است که زنان سرمایه انسانی کمتری بیاندوزند (شادی‌طلب، ۱۳۷۵، ۱۳).

با وجود حضور فزاینده‌ی زنان در بازار کار، تمایز جدی میان مشاغل زنانه و مردانه وجود دارد. این تمایز هم عمودی است و هم افقی. زیرا زنان از یک سو در بخش‌های خاصی از اقتصاد کشور مشغول به کار هستند و از سوی دیگر در صناعی که عمدتاً زنان در آن‌ها مشغول به کار هستند، در سطوح پایین سلسله مراتب سازمانی جای می‌گیرند. محدودیت‌های ساختاری در بازار کار نیز، در جداسازی جنسیتی مشاغل ایفای نقش می‌کنند. بازار کار دارای دو بخش متفاوت است. ویژگی بخش اولیه وجود مشاغل با دستمزد بالا، چشم‌انداز ارتقای شغلی و شرایط مطلوب کار است در حالی که در بخش ثانویه مشاغلی با دستمزدهای پایین، فقدان مهارت، کارهای پاره‌وقت، موقت و روزمزدی با مزایای محدود قرار دارند. زنان عمدتاً در بخش ثانویه مشغول به کار هستند. به این ترتیب پدرسالاری به صورت کنترل مردان بر فعالیت‌های زنان در عرصه‌ی عمومی به‌ویژه مشاغل مزدبگیری، نمود می‌یابد. جدایی شغلی یکی از مهم‌ترین عوامل نابرابری جنسیتی در بازار کار به‌ویژه نابرابری در دستمزد است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷).

زنان هنوز در مشاغل سنتی خانه‌داری و فروشنده‌گی، مراقبت از کودکان و دوزندگی متمرکز هستند. در مشاغل زنانه دستمزدها پایین‌تر از مشاغلی است که مردانه تلقی می‌شوند. زنان نیروی کار ارزان محسوب می‌شوند. دستمزد

پایین تر زنان به معنای آن است که کارزنان از نظر اجتماعی ارزش مساوی با کارمردان ندارد. اگر مردان و زنان در مشاغل یکسانی اشتغال داشته باشند، دیگر نمی‌توان کار زنان را بی‌ارزش شمرد. برای این که زنان به صورت کارگران ارزان باقی بمانند، باید در مشاغل خاصی که زنانه محسوب می‌شوند فعالیت کنند. زنان به عنوان نیروی کار رده دوم، اولین کسانی هستند که مورد آزار و اذیت واقع می‌شوند، اولین کسانی هستند که از کار اخراج می‌شوند و آخرین کسانی هستند که ترفیع شغلی پیدا می‌کنند. هر چند زنان در بسیاری از مشاغل که سابقاً فقط مردانه به حساب می‌آمد، حضور یافته‌اند، ولی این تغییر بسیار کند است (سرمایه، ۱۳۸۶، ۵). دوام پیشرفت به سوی کاهش جدایی جنسیتی در بازار کار ایجاب می‌کند که زنان به سوی مشاغلی روی آورند که به طور سنتی در اشغال مردان باقی مانده است. با نگاهی گذرا به روند تغییرات مشارکت زنان در بازار کار ایران مشاهده می‌کنیم. در سال ۱۳۴۵، حدود یک میلیون زن در بازار کار ایران حضور داشتند. این رقم در سال ۱۳۵۵، به حدود ۵/۱ میلیون نفر افزایش یافت. طی سال های ۱۳۴۵ - ۱۳۵۵ نرخ رشد تعداد زنان فعال در بازار کار ایران، به طور متوسط سالانه حدود ۳/۵ درصد بوده است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷)

پس از پیروزی انقلاب و آغاز جنگ، به دلیل تغییر نگرش نسبت به فعالیت اقتصادی زنان و بروز رکود در کشور، شمار زنان در بازار کار کاهش یافت و در سال ۱۳۶۵ به حدود ۱/۳ میلیون نفر رسید، ولی پس از پایان جنگ، مجدداً نسبت زنان در جمعیت فعال کشور شروع به افزایش کرد و در سال ۱۳۷۵ از مرز دو میلیون نفر گذشت. به نحوی که سهم زنان در بازار کار از ۸/۸ درصد در سال ۱۳۶۵ به بیش از ۱۲ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافت. ولی این نسبت با سهم زنان در بازار کار اکثر کشورهای جهان، هنوز فاصله‌ی زیادی دارد. اشتغال زنان در ایران در مجموعه‌ی محدودی از مشاغل خلاصه شده است و بازار کار دارای تقسیم‌بندی جنسیتی است. زنان، ۶۰ درصد شاغلان در بخش تولید منسوجات، ۴۴ درصد آموزگاران و ۳۹ درصد از کارکنان بخش بهداشت و درمان را تشکیل می‌دهند، ولی در عوض ۵/۹۶ درصد از مشاغل مدیریتی به مردان اختصاص

دارد. زنان ایرانی در هرم تصمیم‌گیری سهم ناچیزی دارند. در سال ۱۳۷۵ بخش‌های منسوجات ۲۸ درصد، آموزش ۲۶ درصد، کشاورزی ۱۷ درصد، بهداشت ۷ درصد و اداره‌ی امور عمومی ۶ درصد به ترتیب بیشترین درصد حضور زنان را داشته‌اند و در مجموع ۸۳ درصد زنان در پنج گروه شغلی مزبور مشغول به کار بوده‌اند. این نسبت برای مردان ۴۴ درصد بوده است (خاتم، ۱۳۷۹، ۲۱).

طی دهه‌های گذشته، سهم زنان تحصیل‌کرده در بین زنان فعال به سرعت رشد کرده است. در سال ۱۳۴۵، نسبت زنان و مردان دارای تحصیلات عالی در کل شاغلان زن و مرد به ترتیب ۲/۱ و ۱/۱ درصد بوده، که این نسبت‌ها در سال ۱۳۷۵ به ترتیب ۹/۷ و ۲۲ درصد افزایش پیدا کرده است. این مسأله نشان می‌دهد که عموماً در مشاغل مختلف زنانی استخدام می‌شوند که دارای تحصیلات و دانش بالاتری نسبت به مردان همکار خود باشند. در سال ۱۳۷۵، بیش از ۸۰ درصد زنان دارای آموزش عالی، فقط در بخش آموزش و بهداشت و عمدتاً در بخش عمومی اشتغال داشته‌اند. با بالا رفتن سطح سواد و تخصص و سن ازدواج در میان زنان، آنان به طور فزاینده‌ای خواهان حضور در بازار کار، کسب استقلال و شخصیت اجتماعی هستند. افزایش نرخ مشارکت زنان در بازار کار، در پی افزایش چشم‌گیر حضور زنان در مراکز آموزش عالی، با ساختار سنتی و انعطاف‌پذیر تولید در تناقض است. گروهی از کارفرمایان به توان علمی و مدیریتی زنان باور ندارند و گروهی دیگر حاضر به استفاده از زنان متخصص در محیط‌های کار مردانه نیستند. تداوم این وضعیت به افزایش نرخ بیکاری در میان زنان تحصیل‌کرده منجر شده است (بی‌نام، حضور دو گانه، ۱۳۷۶، ۴).

در سال ۱۳۸۰ نرخ مشارکت مردان ۶۲ و نرخ مشارکت زنان ۱۲ درصد بوده در حالی که نرخ بیکاری زنان ۲۰ درصد و نرخ بیکاری مردان ۱۳ درصد بوده است. براساس پیش‌بینی‌های برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران، نرخ مشارکت زنان در بازار کار از ۱/۹ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۲/۱۵ درصد در سال ۱۳۸۸ افزایش خواهد یافت (شادی‌طلب، ۱۳۷۵، ۱۹).

این موضوع فشار زیادی بر بازار کار وارد خواهد کرد. در چنین شرایطی برای ایجاد فرصت شغلی کافی برای زنان باید سالانه ۲۳۲ هزار فرصت شغلی برای آنان خلق کرد که وظیفه‌ی بسیار دشواری است؛ در حالی که فرصت‌های شغلی جدید که توسط زنان اشغال شده، در برنامه‌ی اول سالانه ۱۰۰ هزار و در برنامه‌ی دوم سالانه ۷۱ هزار شغل بوده است. با آن‌که دستیابی به اهداف برنامه چهارم توسعه درباره اشتغال زنان دشوار به نظر می‌رسد ولی به فرض تحقق اهداف برنامه نیز در سال ۱۳۸۸ بیش از ۷۰۰ هزار زن جویای کار از داشتن کار محروم خواهند شد.

در سال‌های اخیر با افزایش شمار زنان تحصیل کرده در کشور و محدودیت فرصت‌های شغلی مزد بگیری در مؤسسات عمومی و خصوصی، زنان به تأسیس مؤسسات کوچک و متوسط روی آورده‌اند.

امروزه حتی در دنیای پیشرفته و متمدن هنوز هم والدینی هستند که بیشتر ترجیح می‌دهند صاحب فرزند پسر شوند تا دختر. یکی از دلایل این ترجیح این است که آنها معتقدند پسرها در دوران پیری عصای دستشان خواهند بود. اما اکنون وقت آن رسیده است که والدین در مورد این باور خود تجدیدنظر کنند، چرا که امروزه دخترها می‌توانند تکیه‌گاه بهتری برای والدین خود باشند (اعزازی، ۱۳۸۰، ۴). نمرات درسی دختران در مدارس اغلب از نمرات پسران بالاتر است. حتی در بسیاری از کشورهای پیشرفته، تعداد دانشجویان دختر از دانشجویان پسر، بیشتر است. از این رو امروزه دخترها می‌توانند تکیه‌گاه بهتری برای والدین خود باشند که نمرات درسی دختران در مدارس اغلب از نمرات پسران بالاتر است و نیروی خرد و دانایی بیشتر از نیروی زور بازو به کار می‌آید (همان منبع، ۵).

در انگلیس تعداد زنانی که در رشته پزشکی تحصیل می‌کنند، نسبت به مردان بیشتر است. علت اصلی رشد چند دهه‌ی اخیر دنیای پیشرفته امروز، افزایش تعداد زنان شاغل در این جوامع بوده است (آنها در بالا رفتن نرخ تولید ناخالص داخلی بیش از فناوری جدید تأثیرگذار بوده‌اند. اگر به این شاخص‌ها ارزشهای خانه‌داری و تربیت فرزندان را نیز اضافه کنیم، آن وقت خواهیم دید که

بیش از نیمی از بازده کلی جهان به وسیله زنان به دست می‌آید. هر چند هنوز هم زنان حقوق کمتری نسبت به مردان می‌گیرند و یا در شرکتها و سازمانها، پست‌های پایین‌تری به آنها تعلق می‌گیرد. اما امید است در آینده با کم‌رنگ‌تر شدن تعصبات در جامعه، زنان شانس بیشتری برای بهبود روند پویایی و درآمدزایی خود داشته‌باشند (اسد دهقی، ۱۳۷۶، ص ۸). برخی از مردم از افزایش روند اشتغال زنان در خارج از خانه اظهار نگرانی کرده، می‌گویند اشتغال زنان در خارج از خانه علی‌رغم بالا بردن نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، موجب ایجاد تنش‌های اجتماعی، مثل کاهش میزان زادولد می‌شود. در جوامع پیشرفته‌ای مثل امریکا و سوئد اغلب زنان شاغل هستند ولی با این حال، میزان زادولد در این کشورها نسبت به کشورهایمانند ایتالیا و ژاپن که زنان، بیشتر خانه‌دار هستند بالاتر است (جزنی، ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹، ۹۴ و ۸۰). بعضی دیگر از مردم نیز از افزایش گرایش زنان به کار کردن در خارج از خانه واهمه دارند و معتقدند این مسأله باعث غفلت زنان از تربیت فرزندان می‌شود. اما نتایج تحقیقات انجام شده در این زمینه متفاوت است. اگر نرخ مشارکت زنان در این کشورها به میزان مشارکت زنان در امریکا برسد، رشد اقتصادی این کشورها تا حد بسیار امیدوارکننده‌ای افزایش خواهدیافت. (همان). زنان تحصیل کرده نه تنها می‌توانند در جامعه مؤثرتر و پویاتر باشند بلکه می‌توانند در آینده فرزندان سالم‌تر و هوشمندتری به جامعه تحویل دهند (یزدخواستی، ۱۳۷۲، ۱۲). اولین جایگاه حضور زنان در عرصه سیاست، در مجلس شورای اسلامی بروز و ظهور یافت. در دهه اخیر ترکیب جنسی اعضای شوراهای شهر و روستا در سراسر کشور نشان می‌دهد که این شوراهای زمینه مشارکت فعال زنان را در رقابت پویا با مردان فراهم کرده‌اند.

همچنین رشد درصد مدیران، قانونگذاران و کارکنان عالی‌رتبه در بین مردان و زنان شاغل تغییر چشمگیری داشته که بیان‌کننده کاهش شدید تفاوت جنسیتی موجود در عرصه مدیریت است (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۷، ۴). اکنون جهان خارج از منزل، امور خارج از منزل را بسیار پیچیده کرده‌است، و مهم است



مردان تشخیص دهند دیگر نمی‌توانند به تنهایی از عهده آن برآیند و از خلاقیت بسیار زنان بهتر است بهره‌مند شوند (کوشک آباد و سیماب، ۱۳۶۶، ۵).

واژه‌هایی که با وجود لطافت و زیبایی، گاه برخی از زنان به‌ویژه فمینیست-های پرشور را می‌رنجانند واژه‌هایی است که تأکید زیادی بر نقش زن در خانه می‌کند: «اگر زن در عین حال که می‌تواند در خارج از خانه شاغل باشد، خود در خانه ماندن را انتخاب کند و بیشتر وقت خود را صرف وظایف مهمی نظیر ایجاد یک محیط خوب برای رشد و پرورش اعضای خانواده کند، به نظر کار بزرگی کرده است» (باقریان، ۱۳۶۹، ۱۹). شریل باند (باند، ۱۹۹۷) اظهار می‌دارد که سمت‌های مهم را «شغل‌های جسورانه» می‌دانند و به‌نظر می‌رسد که مردان بسیاری، آگاهانه یا ناآگاهانه، اعتقاد دارند که زنان جسارت لازم برای بر عهده گرفتن مسؤلیت‌های مهم را ندارند (مانفورد و رامبال، ۱۳۸۷، ۵).

موقعیت زن ایرانی در جامعه، خانواده و محل کار، در حال آزمودن تغییر بزرگی است. هنوز، زن ایرانی «نان آور» خانواده به شمار نمی‌رود لذا، اشتغال وی نیز یک اشتغال درجه دو تلقی می‌شود. برای رفع مشکلات کنونی زنان در جامعه‌ی ایران، فعالیت جدی نمایندگان زن در پارلمان، مشاور رئیس‌جمهور در امور زنان و زنان برجسته ایران ضروری است (مقدم، ۱۳۸۴، ۶).

- هدف کلی: هدف از این تحقیق مشخص کردن نقش دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه مشارکت زنان به‌طور اخص توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است.

- اهداف ویژه: روشن ساختن نقش دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه مشارکت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی مشخص کردن نقش دانشگاه آزاد اسلامی در تفاوت نگرش به مشارکت زنان.

### مبانی نظری

جهت تدوین مبانی و چارچوب نظری پژوهش، نظریه‌های مطرح شده در مورد مشارکت اجتماعی را مورد بررسی قرار دادیم. نکته مهم و قابل توجه پیش از پرداختن به این نظریه‌ها، این است که نظریه به خصوصی که بتواند مستقیماً رابطه بین نقش دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت زنان را تبیین کند

وجود ندارد و لذا با توجه به جدید بودن پژوهش و نوآوری کار، نگارنده ضمن بررسی نظریه‌های مربوط به مشارکت این نظریه‌ها را به سمت مشارکت زنان هدایت نموده‌است و در واقع نظریه‌هایی انتخاب شده است که بتوان در آن، رابطه بین نقش دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت زنان را استنتاج نمود. نظریه‌های کنش، مبادله و نظریه‌های خاص در ارتباط با زنان نظیر لیبرال فمینیسم<sup>۱</sup>، فمینیسم فرهنگی<sup>۲</sup>، فمینیسم مارکسیستی<sup>۳</sup>، سوسیالیستی<sup>۴</sup> و فمینیسم رادیکال<sup>۵</sup> از عمده نظریات استفاده شده می‌باشد.

اهمیت مشارکت زنان و توجه به کارکردهای آن به حدی ضروری است که در سالهای اخیر اکثر کارشناسان اجتماعی- اقتصادی رمز موفقیت یک جامعه و تسریع و تسهیل توسعه و رفاه اجتماعی در سطح یک جامعه را در مشارکت زنان در امور مختلف جامعه می‌دانند. حتی برخی از صاحب‌نظران جهان سوم آن‌چنان اهمیت برای مشارکت قائل شده‌اند که توسعه را معادل با مشارکت می‌دانند و یا مشارکت را به معنای شرکت داوطلبانه و ارادی مردم در فرایند توسعه ذکر کرده‌اند (طالب، ۱۳۷۱: به نقل از شادی طلب، ۱۳۷۵؛ جمشیدی، ۱۳۸۴؛ خاتم، ۱۳۷۹؛ زمانی، ۱۳۷۹). همچنین دیدگاهها و نظریات مختلف بر نقش و اهمیت توسعه و خصوصاً توسعه مشارکتی در گسترش رفاه عمومی و رهایی مردم از چنگال فقر تأکید دارند. دیدگاه توسعه‌ای، بسیاری از جنبه‌های اقتصادی- اجتماعی را در نظر می‌گیرد که ارتباط تنگاتنگی با مسایل رفاهی دارد. مثلاً در تعریف توسعه آمده‌است: توسعه در معنای جامع آن، مشتمل بر فرایند پیچیده‌ای است که رشد کمی و کیفی تولیدات و خدمات و تحول کیفیت زندگی و بافت اجتماعی جامعه و تعدیل درآمد و زودن فقر و محرومیت و بیکاری و تأمین رفاه همگانی و رشد علمی و تکنولوژی درون‌زا در یک جامعه

---

1 - Liberal Fiminise

2 - Caltureal Fiminisem

3 - Marxisme Fiminisem

4 - Socialisme Fiminisem

5 - Radical Fiminisem

معین را دربرمی‌گیرد. همچنین گوناگونی‌ها در تعریف توسعه می‌گوید: توسعه یعنی فرایند دور شدن از توسعه نیافتگی، یعنی رهایی از چنگال فقر. راه رسیدن بدین مقصود و شاید آنچه که عملاً موجب کامیابی در این راه شود؛ عبارت است از برنامه ریزی به منظور توسعه است (سعادت، ۱۳۷۸، ۴). هدف این تحقیق، توسعه دانش کاربردی در بررسی نقش دانشگاه آزاد اسلامی در افزایش مشارکت زنان و شناخت بیشتر ضوابط و شرایط موجود می‌باشد؛ تا در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های آینده مورد توجه قرار گیرد.

### فرضیه‌های تحقیق

بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی با تفاوت نگرش به مشارکت زنان رابطه مثبت وجود دارد.

بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت اقتصادی زنان رابطه مثبت وجود دارد.

بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت اجتماعی زنان رابطه مثبت وجود دارد.

بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت سیاسی زنان رابطه مثبت وجود دارد.

بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت فرهنگی زنان رابطه مثبت وجود دارد.

### روش کار

روش تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی و توصیفی به روش پیمایشی بود. جامعه‌ی آماری این تحقیق بانوان دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه، دانشگاه پیام نور واحد میانه، دانشگاه عین‌القضات، فارغ‌التحصیلان زن دانشگاه‌های مختلف و فارغ‌التحصیلان دبیرستانی بود. حجم جامعه‌ی آماری در مجموع ۱۳۰۰ نفر می‌باشد. تعداد یا حجم نمونه مساوی ۲۰۹ نفر (از هر دانشگاه

۵۳ نفر واز فارغ‌التحصیلان در مجموع ۵۰ نفر) از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه و افراد غیردانشجو را شامل بود. روش نمونه‌گیری از نوع سهمیه‌ای و خوشه‌ای بود.

پرسشنامه‌ای با ۳۵ پرسش ۵ گزینه‌ای، با در نظر گرفتن اجزای مختلف از جمله نامه همراه و سایر موارد سوال طراحی و تنظیم شد و توسط افراد مذکور تکمیل و داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

جهت تعیین پایایی یا اعتماد ابزار اندازه‌گیری ( پرسشنامه‌ی طراحی شده) از روش آلفای کرونباخ، ضریب همبستگی (ضریب پایایی) استفاده شد.

داده‌ها واطلاعات این پژوهش پس از گرد آوری، مورد بازبینی و تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. در تحلیل‌های تک متغیره و توصیفی، از محاسبه درصدها، شاخص‌های میانگین و میانه، شاخص‌های پراکندگی استفاده شد. در تحلیل‌های دو متغیره، آزمون تفاوت میانگین و آزمون همبستگی پیرسون، مورد استفاده قرار گرفت. تمامی تحلیل‌های آماری توسط بسته نرم افزاری SPSS انجام گرفت.

نتیجه و بحث: توزیع پراکندگی شاخص‌های گرایش به مشارکت نشان می‌دهد: متوسط میزان شاخص‌های گرایش به مشارکت ۲۷/۴۳ با انحراف معیار ۵/۴۲ بوده است که بیشترین میزان شاخص‌های گرایش به مشارکت ۳۵ و کمترین میزان آن صفر برآورد شده‌است. درکل می‌توان گفت: شاخص‌های گرایش به مشارکت در حدّ بالا دیده‌شد.

توزیع پراکندگی شاخص‌های گرایش به مشارکت اقتصادی نشان می‌دهد: متوسط میزان شاخص‌های گرایش به مشارکت اقتصادی ۲۲/۲۴ با انحراف معیار ۵/۲۹ بوده که بیشترین میزان شاخص‌های گرایش به مشارکت اقتصادی ۳۴ و کمترین میزان آن صفر بوده است. درکل می‌توان گفت: شاخص‌های گرایش به مشارکت اقتصادی در حدّ متوسط به بالا می‌باشد.

توزیع پراکندگی شاخص‌های گرایش به مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد: متوسط میزان شاخص‌های گرایش به مشارکت اجتماعی ۲۲/۱۱ با انحراف معیار ۵/۳۰ بوده که بیشترین میزان شاخص‌های گرایش به مشارکت اجتماعی ۳۵ و

کمترین میزان آن صفر بوده است. درکل شاخص‌های گرایش به مشارکت اجتماعی در حد متوسط به بالا می‌باشد.

توزیع پراکندگی شاخص‌های گرایش به مشارکت سیاسی نشان می‌دهد: متوسط میزان شاخص‌های گرایش به مشارکت سیاسی ۱۹/۳۳ با انحراف معیار ۶/۷۹ بوده که بیشترین میزان شاخص‌های گرایش به مشارکت سیاسی ۳۵ و کمترین میزان آن صفر بوده است. درکل شاخص‌های گرایش به مشارکت سیاسی در حد متوسط می‌باشد.

توزیع پراکندگی شاخص‌های گرایش به مشارکت فرهنگی نشان می‌دهد: متوسط میزان شاخص‌های گرایش به مشارکت فرهنگی ۲۴/۴۰ با انحراف معیار ۵/۳۲ بوده که بیشترین میزان شاخص‌های گرایش به مشارکت فرهنگی ۳۵ و کمترین میزان آن صفر بوده است. درکل می‌توان گفت: شاخص‌های گرایش به مشارکت فرهنگی در حد متوسط به بالا می‌باشد.

بر اساس نظرسنجی انجام شده، همبستگی بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و تفاوت در نگرش به مشارکت زنان در سطح ۵٪ مثبت و معنی‌دار بود ( $I = ۰/۰۵۶$  و  $p = ۰/۰۳۷۲$ ). با آزمون تفاوت میانگین، تفاوت نگرش به مشارکت زنان به لحاظ وجود دانشگاه آزاد اسلامی ملاحظه می‌شود که متوسط میزان نگرش به مشارکت زنان غیر دانشگاه آزادی  $۴.۷۲۷ + ۲۷.۸۲$  و غیر دانشگاهی‌ها  $۶.۴۱۷ + ۲۷.۰۲$  و دانشگاه آزاد  $۵.۷۲۰ + ۲۷.۱۶$  می‌باشد که با توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس یک متغیره مقدار  $F = ۲۸۰$  و  $p = ۵۹۷$  رابطه معنی‌داری بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و تفاوت نگرش به مشارکت زنان وجود دارد.

ضریب همبستگی بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت اقتصادی زنان برابر  $I = ۰/۱۱۴$  با سطح معنی‌داری  $p = ۰/۰۶۷$  به دست آمده است و چون سطح معنی‌داری آزمون از ۵٪ کمتر است، بنابراین همبستگی مثبت بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت اقتصادی زنان وجود دارد. یعنی وجود دانشگاه آزاد اسلامی موجب توسعه مشارکت اقتصادی زنان شده است. با آزمون تفاوت میانگین توسعه مشارکت اقتصادی زنان به لحاظ وجود دانشگاه آزاد اسلامی ملاحظه می‌شود که متوسط میزان توسعه مشارکت

اقتصادی زنان غیردانشگاه آزادی  $۴.۸۷۹ + ۲۲.۷۸$  و غیر دانشگاهی‌ها  $۵.۳۹۸ + ۲۲.۵۷$  و دانشگاه آزاد  $۵.۶۶۲۴ + ۲۲.۴۴$  می‌باشد. که با توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس یک متغیره مقدار  $F = ۲۸۰$  و  $p = ۵۹۷$  رابطه معنی‌داری بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت اقتصادی زنان وجود دارد.

ضریب همبستگی بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت اجتماعی زنان برابر  $I = ۰/۰۱۵$  با سطح معنی‌داری  $p = ۰/۸۱۴$  به دست آمده است و چون سطح معنی‌داری آزمون از  $۵\%$  کمتر است، بنابراین همبستگی مثبت بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت اجتماعی زنان وجود دارد. یعنی وجود دانشگاه آزاد اسلامی با توسعه مشارکت اجتماعی زنان رابطه‌ای وجود دارد. در عین حال با آزمون تفاوت میانگین توسعه مشارکت اجتماعی زنان به لحاظ وجود دانشگاه آزاد اسلامی ملاحظه می‌شود که متوسط میزان توسعه مشارکت اجتماعی زنان غیردانشگاه آزادی  $۴.۲۵۷ + ۱۴.۲۲$  غیردانشگاهی‌ها  $۵.۵۳۵ + ۲۲.۳۵$  و دانشگاه آزاد  $۶.۲۵۹ + ۲۱.۹۶$  می‌باشد. که با توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس یک متغیره مقدار  $F = ۱۱۹$  و  $p = ۷۳۰$  رابطه معنی‌داری بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت اجتماعی زنان وجود دارد.

ضریب همبستگی بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت سیاسی زنان  $I = ۰/۰۴۸$  با سطح معنی‌داری  $p = ۰/۴۴۱$  به دست آمده است و چون سطح معنی‌داری آزمون از  $۵\%$  کمتر است، بنابراین همبستگی مثبت بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت سیاسی زنان وجود دارد. یعنی وجود دانشگاه آزاد اسلامی موجب توسعه مشارکت سیاسی زنان شده است. با آزمون تفاوت میانگین توسعه مشارکت سیاسی زنان به لحاظ وجود دانشگاه آزاد اسلامی نیز ملاحظه می‌شود که متوسط میزان توسعه مشارکت سیاسی زنان غیردانشگاه آزادی  $۵.۸۳۴ + ۲۰.۰۸$  و غیر دانشگاهی‌ها  $۷.۸۶۷ + ۱۷.۲۶$  و دانشگاه آزاد  $۷.۱۷۸ + ۱۹.۴۳$  می‌باشد که با توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس یک متغیره مقدار  $F = ۰۲۴$  و  $p = ۵.۱۵۹$  رابطه معنی‌داری بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت سیاسی زنان وجود دارد.

براساس اطلاعات به دست آمده ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت فرهنگی زنان برابر  $r=0/073$  با سطح معنی‌داری  $p=0/245$  به دست آمده است و چون سطح معنی‌داری آزمون از ۵٪ کمتر است، بنابراین همبستگی مثبت بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت فرهنگی زنان وجود دارد. یعنی وجود دانشگاه آزاد اسلامی موجب توسعه مشارکت فرهنگی زنان شده است. با آزمون تفاوت میانگین توسعه مشارکت فرهنگی زنان به لحاظ وجود دانشگاه آزاد اسلامی اطمینان حاصل شد که متوسط میزان توسعه مشارکت فرهنگی زنان غیر دانشگاه آزادی  $+3.969$  و غیردانشگاهی‌ها  $23.91+5.513$  و دانشگاه آزاد  $24.05+6.493$  می‌باشد. که با توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس یک متغیره مقدار  $F=416$  و  $p=0.520$  رابطه معنی‌داری بین وجود دانشگاه آزاد اسلامی و توسعه مشارکت فرهنگی زنان وجود دارد.

### پیشنهادهای

با توجه به یافته‌های پژوهش در تحلیل داده‌های حاصل از پاسخ به سؤالات پرسشنامه و نیز تحلیل فرضیه‌های تحقیق و نیز با توجه به اهداف تحقیق، نظریه‌های موجود در پژوهش و همچنین مطالعه پیشینه تحقیق، راهکارهایی مؤثر و عملی در توسعه مشارکت زنان به شرح زیر ارائه می‌گردد:

مشارکت زنان در صحنه‌های مختلف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیاز به توجه جدی‌تر دولت و آگاهی و حرکت خود زنان دارد، اگر این نیروی بالقوه به کار گرفته شود می‌توان گامی در جهت توسعه برداشت.

مساوات و عدالت اجتماعی و اقتصادی ایجاد می‌کند، با مصوبه‌های قانونی از قدرت و نیروی خلاق زنان به عنوان نیمی از نیروی کار و منابع انسانی، استفاده کامل شود.

باید محدودیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را برای آزادسازی فعالیت‌های زنان از بین برد.

هر چه زنان، تحصیلات عالی و تخصص داشته باشند و تخصص‌های لازم جهت کسب مشاغل بالاتر را کسب نمایند، شرایط بهتری در اقتصاد کشور ما ایجاد خواهد شد.

در کتب درسی و رسانه‌های گروهی مختلف بویژه تلویزیون، باید جایگاه واقعی زن مورد توجه واقع شود.

مدیریت و هدایت برنامه‌ها و پروژه‌های رشد و توسعه باید به زنان شایسته و متخصص و کارآمد واگذار شود.

یکی از مسائلی که نیازمند بذل توجه مسئولان و دست‌اندرکاران امور زنان بوده، «افزایش سلامت و تأمین اجتماعی زنان» است. این امر می‌تواند از طریق ارتقای فرهنگ و سواد تغذیه‌ای زنان و دختران، آموزش بهداشت و ارتقای آگاهی‌های سلامتی زنان و خانواده، فراهم‌آوردن امکان دسترسی زنان سرپرست خانوار و بد سرپرست به بیمه‌های خاص و مسکن ارزان قیمت و بهره‌مندی زنان از فضاهای فرهنگی و ورزشی به تناسب جنسیت محقق شود.

باید مراکز فرهنگی، ورزشی و تفریحی اختصاصی زنان جهت افزایش فعالیت آنان افزایش یابد و زمینه برای کسب مقام در مسابقات بین‌المللی فراهم شود. این مسأله نیازمند توجه مسئولان کشور با عنایت به مسایل شرعی دارد.

با افزایش مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان، دسترسی مادران به فرصت‌های آموزشی بیشتر شده، موجب تقویت حس استقلال و تأثیر آن در افزایش تصمیم‌گیری‌های زن در خانواده می‌شود.

افزایش اشتغال زنان، کاهش باروری و در نتیجه کاهش رشد جمعیت را به همراه دارد و درآمد سرانه را بالا می‌برد که آن هم موجب رشد و توسعه می‌شود. یکی از شاخص‌های توسعه، میزان بار تکفل است. اشتغال زنان بار تکفل را کاسته و درآمد سرانه را افزایش می‌دهد.

باید زمینه‌ی لازم را جهت ارتقاء زنان به سطوح بالای شغلی فراهم کرد. باید باورها و پندارهای غلط جامعه و خانواده را در مورد استعداد و اشتغال زنان و این‌که مرد بر مبنای جنسیت، استعداد و توانایی بیشتری برای به عهده گرفتن مشاغل سطح بالا دارد، اصلاح گردد.



ایجاد فضای مناسب برای «توسعه‌ی مشارکت اقتصادی زنان» از طریق افزایش سهم دولت در ارایه‌ی تسهیلات مالی بلاعوض، وام‌های درازمدت و کم‌بهره به زنان، برقراری حمایت‌های لازم برای توسعه‌ی کارآفرینی و فعالیت‌های نوآورانه، زمینه‌سازی برای ایجاد پایداری و توسعه توانمندی تعاونی‌های زنان، اصلاح نظام پرداخت متناسب با میزان بهره‌وری و کیفیت خدمات افراد و نه بر مبنای جنسیت در تداوم برنامه خصوصی‌سازی و در چارچوب قانون اساسی امکان‌پذیر است.

راه طی نشده طولانی است و امیدواریم این مقاله باب گشایش باشد بر تحقیقات ارزنده محققان متعهد و توانایی که نقش نظام آموزش عالی در اصلاح مسایل اجتماعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در سرلوحه افکار و اندیشه‌های خود دارند و به آن اقدام می‌کنند.

## منابع:

- اسد دهقی، ف (۱۳۷۶)، بررسی مسایل و مشکلات زنان شاغل صدا و سیما. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران.
- جزینی، ن (۱۳۷۸)، بررسی مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سقف شیشه‌ای مانع رشد زنان. تدبیر (س ۱۰ ش ۹۵).
- جزینی، ن (۱۳۷۹)، مدیریت نوین و اشتغال زنان. اندیشه جامعه (ش ۱۵).
- سعادت، ا (۱۳۷۸)، مدیریت منابع انسانی. تهران: انتشارات سمت.
- شادی‌طلب، ژ (۱۳۷۵)، ویژگی‌های اشتغال زنان در ایران. تعاون (ش ۵۹).
- بی‌نام. درباره بحران مشارکت سیاسی در ایران (۱۳۸۷)، همشهری. ص ۱۲.
- بی‌نام. حضور دوگانه‌ی زنان در بازار کار ایران (۱۳۷۶)، روزنامه‌ی سرمایه. ص ۸.
- بی‌نام (۱۳۸۴)، گزارش سالنامه آمار نیروی انسانی مرکز آمار ایران.
- یزدخواستی، ب (۱۳۷۲)، زنان و تغییرات اجتماعی. تهران: انتشارات مانی.
- اعزازی، ش (۱۳۸۶)، تأملی بر نقش‌های اجتماعی زنان و مردان. دریافت تیرماه ۱۳۸۸، [www.etwomen.org/gunagun](http://www.etwomen.org/gunagun) , [social.iran-emrooz.net](http://social.iran-emrooz.net)
- بی‌نام (۱۳۸۷)، اشتغال چه تأثیری بر عملکرد زن و روحیات او دارد؟ تک بانو. دریافت ۱۰ اگوست ۲۰۰۹ از <http://takbanoo.wordpress.com>
- بی‌نام (۱۳۸۷)، مروری بر جایگاه زنان قبل و بعد از انقلاب، خبرگزاری فارس دریافت ماه جولای ۲۰۰۹ از [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com)
- بی‌نام (۱۳۸۴)، اشتغال زنان در ایران، ایران مانیا دریافت تیر ۲۰۰۷ از [www.iranmania.com/news/Farsi](http://www.iranmania.com/news/Farsi)
- طایفی، ع (۱۳۸۵)، نقش زنان در جامعه‌شناسی. دریافت ۱۲ فروردین ۱۳۸۸ از <http://sociologyofiran.com>
- کوشک‌آبادی، م، چشمه سیماب، ژ (۱۳۸۸)، زنان و اشتغال، دریافت ۲۷ تیر ۱۳۸۸ از <http://www.modiryar.com/>
- مانفورد، ر و رامبال، س (۱۳۸۷)، ترجمه محمد هانی ساداتی زنان در ساختارهای قدرت دانشگاه. دریافت از <http://hamava.org/node/14>